

أسامة بن زيد: صحابی و فرمانده سپاه

اسامه در نبرد با روم

اسامه از تیره کلب از قضاة^۱ با کنیه‌هایی همچون ابومحمد^۲، ابوزید^۳، ابوزید^۴، ابوخرجه و ابوحرثه^۵ فرزند زید و أم ایمن بود که هر دو از بردگان آزاد شده بودند. پدرش زید^۶ آزاد شده رسول خدا^ﷺ و پسر خوانده آن حضرت^ﷺ و از نخستین مسلمانان بود^۷ و مادرش برکه نام آور به أم ایمن، دایه و آزاد شده رسول خدا^ﷺ بود.^۸ از این رو، این سه تن را از موالی رسول خدا^ﷺ یا موالی بنی‌هاشم^۹ به شمار آورده‌اند. او را مردی سیه‌چرده با بینی پهن و شکمی بزرگ دانسته‌اند. از او به ذوالبطن نیز یاد کرده‌اند.^{۱۰} وی در مکه زاده شد و همان‌جا پرورش یافت.^{۱۱} اما هنگام تولد او مشخص نیست. از آن‌جا که سن او را در

به کوشش السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۰۹ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البحرین: الطریحی (م. ۸۷ق.)، به کوشش الحسینی، مکتبه الثقافه، ۱۴۰۸ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ مجمع الزوائد: الیهیثمی (م. ۸۰۷ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۸ق؛ المحتر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، مطبعة الدائر، ۱۳۶۱ق؛ مراصد الاطلاع: صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، بیروت، دار الاندلس، ۱۹۶۵م؛ المسالك و الممالک: ابوعبید البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش ادریان فان لیوفن و اندری فیوری، دار العرب الاسلامی، ۱۹۹۲م؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ مسند الشامیین: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدی، بیروت، الرساله، ۱۴۱۷ق؛ المعالم الاثیره: محمد محمد حسن شراب، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ المعجم الاوسط: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، قاهره، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۹۹ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ الملل و النحل: الشهرستانی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش محمد سید کیلانی، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ المنق: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت^ع، ۱۴۱۴ق.

فاطمه بسحاق



۱. جمهرة انساب العرب، ص ۴۵۹.
۲. الطبقات، ج ۴، ص ۴۵.
۳. معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۲۲۴.
۴. مشاهیر علماء الامصار، ص ۳۰؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۴.
۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۹۶.
۶. اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۲۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۵۹.
۷. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۴؛ الطبقات، ج ۴، ص ۴۵؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۲.
۸. المحجر، ص ۱۲۸؛ الكامل، ج ۲، ص ۳۱۱.
۹. الاخبار الطوال، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ الطبقات، خلیفه، ص ۳۲.
۱۰. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۴؛ الطبقات، ج ۳، ص ۴۴؛ ج ۴، ص ۶۹.
۱۱. الطبقات، ج ۴، ص ۴۵.

بیش از ۲۰ تن یاد نکرده‌اند.^{۱۵} کسانی را که در طول تاریخ از نسل وی پدید آمده‌اند، «أسامی» نامیده‌اند.^{۱۶}

◀ **اسامه در دوره پیامبر ﷺ:** در منابع اهل سنت، روایت‌هایی فراوان در فضیلت‌های اسامه گزارش شده که گاه اغراق آمیز می‌نماید. در پاره‌ای از این منابع گفته شده که او همراه رسول خدا ﷺ به مدینه هجرت کرد و ایشان او را بسیار دوست داشت و وی را همانند یکی از افراد خانواده‌اش می‌دانست. از این رو، به عنوان حَبِّ (دوست) رسول خدا ﷺ شهرت یافته^{۱۷} و به همین دلیل، عبارت نگین انگشتری‌اش را «حَبِّ الرسول» برگزیده بود.^{۱۸} از آن جا که پدرش زید نیز به حَبِّ نام‌آور بوده^{۱۹}، برخی از او با عنوان الحَبِّ بن الحَبِّ یاد کرده‌اند.^{۲۰} درباره محبت پیامبر گرامی ﷺ به زید، گزارش‌هایی اغراق آمیز در دست است؛ مانند این که پیامبر به سبب محبت فراوان خود به اسامه، برخی از نفیس‌ترین هدایا مانند حلة دحیه کلیبی* و جامه سیف بن ذی یَزَن را به وی بخشید.^{۲۱} اما این گزارش‌ها

دوران رحلت رسول خدا ﷺ ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ سال نوشته‌اند، باید میان سال‌های دوم تا پنجم بعثت زاده شده باشد. مرگ او را به اختلاف در سال‌های ۵۴، ۵۸، ۵۹ یا ۶۰ ق. دانسته‌اند. برخی بر این باورند که هنگام مرگ ۶۰ سال داشته است.^۸ پس به احتمال مرگ او در سال‌های ۶۲ تا ۶۵ ق. رخ داده است.

مرگ او در جُرُف در فاصله سه میلی^۹ یا سه فرسخی^{۱۰} مدینه اتفاق افتاد. جسد او را به مدینه منتقل کردند و همان جا به خاک سپردند.^{۱۱} بر پایه روایات شیعی، امام حسن علیه السلام^{۱۲} یا امام حسین علیه السلام^{۱۳} متولی کفن و دفن او شد و او را در بُردی سرخ‌رنگ کفن کردند و بدهی‌های او را نیز امام حسن علیه السلام پرداخت.^{۱۴}

بازماندگان نسل او را تا اوایل سده سوم

۱. التنبیه و الاشراف، ج ۱، ص ۲۴.

۲. الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۲۵.

۴. الطبقات، ج ۴، ص ۵۴.

۵. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۰۹.

۶. الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۷۰، ۱۷۲؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۶.

۷. الطبقات، ج ۴، ص ۷۲؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۶.

۸. المستدرک، ج ۳، ص ۵۹۶.

۹. الطبقات، ج ۴، ص ۷۲؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۲۸.

۱۰. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۳۷۷.

۱۱. الطبقات، ج ۴، ص ۵۴.

۱۲. الکافی، ج ۳، ص ۱۴۹؛ رجال کشی، ج ۱، ص ۱۹۳.

۱۳. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۲.

۱۴. رجال کشی، ج ۱، ص ۱۹۳؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۳۴.

۱۵. الطبقات، ج ۴، ص ۵۴.

۱۶. الانساب، ج ۱، ص ۱۹۱؛ لب اللباب، ص ۱۱.

۱۷. الطبقات، ج ۴، ص ۴۵.

۱۸. تاریخ صحابة الذين روى عنهم الاخبار، ص ۲۷.

۱۹. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲۰. الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۷۰؛ الاصابه، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲۱. الطبقات، ج ۴، ص ۴۸۰.

اغراق آمیز به نظر می‌رسند. حتی در میان این گزارش‌ها، به نادرستی برخی وی را محبوب‌ترین فرد نزد پیامبر ﷺ پس از فاطمه زهرا رضی الله عنها معرفی کرده^۲ یا محبت پیامبر ﷺ به او را همسنگ علاقه‌اش به امام حسن رضی الله عنه دانسته‌اند.^۳

اسامه به علت خردسالی، در سال‌های آغازین هجرت نقشی چندان ایفا نکرد و به همین سبب، اجازه شرکت در دو غزوه بدر و احد را نیافت.^۴ بر پایه برخی گزارش‌ها، پیامبر ﷺ در رویداد افک به سال پنجم یا ششم ق. با اسامه و امام علی رضی الله عنه مشورت کرد. اسامه داستان افک را دروغ دانست و به طرفداری از عایشه پرداخت.^۵ پذیرش این داستان، از جهات گوناگون، از جمله مشورت با فردی ۱۲ تا ۱۷ ساله، دشوار است.^۶

نخستین حضور نظامی اسامه به شرکت وی در سریه بشیر بن سعد در فدک در ماه شعبان سال هفتم ق.^۷ و سپس سریه زیاد بن عبدالله لثی در میفَعَه در ماه رمضان همان

سال^۸ بازمی‌گردد. همچنین گزارشی از حضور او در فتح مکه رسیده است که بر پایه آن، وی پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر يك مرکب نشسته بود.^۹ همانند همین گزارش در حج رسول خدا صلی الله علیه و آله به سال دهم نیز رسیده است.^{۱۰} از این جهت، او را رِذْف پیامبر صلی الله علیه و آله لقب داده‌اند. برخی از تاریخ‌نگاران پنداشته‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله در موارد فراوان او را پشت سر خود بر مرکب می‌نشاند^{۱۱}؛ اما جز این دو، گزارشی در این زمینه در دست نیست.

برخی گزارش‌ها از نقش اسامه در پاک کردن تصویرهای شرک آمیز درون کعبه در فتح مکه حکایت دارند. می‌گویند اسامه با دلو از زمزم آب می‌آورد و رسول خدا صلی الله علیه و آله پارچه‌ای را با آن خیس می‌نمود و تصویرهای یاد شده را پاک می‌کرد.^{۱۲}

او همچنین در نبرد حنین به سال هشتم ق. حضوری فعال داشت. وی را از اندک افرادی به شمار آورده‌اند که در بجوحه این نبرد، پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها نگذاشت.^{۱۳}

۱. الطبقات، ج ۴، ص ۴۶-۴۹؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۸، ۱۵۹.
 ۲. الطبقات، ج ۴، ص ۴۹.
 ۳. الطبقات، ج ۴، ص ۴۶.
 ۴. المغازی، ج ۱، ص ۲۱۶.
 ۵. المغازی النبویه، ج ۱، ص ۱۱۹؛ المغازی، ج ۲، ص ۴۳۰؛ السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۷.
 ۶. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۸۵؛ دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۶۳۱.
 ۷. المغازی، ج ۲، ص ۷۲۴.

۸. المغازی، ج ۲، ص ۲۲۷.
 ۹. الطبقات، ج ۴، ص ۴۸.
 ۱۰. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۱؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۷۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۵۹۷.
 ۱۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۰.
 ۱۲. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۰.
 ۱۳. المغازی، ج ۲، ص ۸۳؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۷.
 ۱۴. الطبقات، ج ۲، ص ۱۱۵؛ المعارف، ص ۱۶۴؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۷۴.

بستر بیماری به سر می برد^۷ و بر حرکت شتابان آن سپاه تأکید فراوان داشت، به گونه ای که حتی خواهش مادر اسامه برای بر ماندن وی در مدینه تا بهبودی ایشان رضی الله عنه را نپذیرفت^۸ و برخی از صحابه را که از این فرمان سر پیچیده، به بهانه های گوناگون به مدینه رفت و آمد می کردند، بازخواست^۹، بلکه لعن کرد^{۱۰} و حتی در حال بیماری بر منبر رفت و بر اعزام این سپاه تأکید فرمود.^{۱۱} اما عوامل گوناگون سیاسی و اجتماعی، از جمله اعتراضات آشکار برخی از اصحاب به فرماندهی اسامه، این سپاه را از حرکت بازداشت.^{۱۲} بیشتر اعتراض ها به جوان بودن این فرمانده بازمی گشت^{۱۳}، گر چه نباید از عواملی همچون پیشینه بردگی پدرش زید و نداشتن پشتوانه قبیله ای و پایگاه اجتماعی غافل ماند.^{۱۴} همچنین نباید از نقش بزرگان صحابه، به ویژه خلیفه اول و دوم، غفلت کرد که از طریق دختران خود که همسر پیامبر رضی الله عنه بودند، از بیماری سخت ایشان

در همین دوره، برخی از منابع اسامه را واسطه شأن نزول دست کم دو آیه از قرآن کریم دانسته اند: ۱. آیه ۹۴ نساء/۴. اسامه در سربه زیاد بن عبدالله، شخصی را که با گفتن «لا إله إلا الله» اظهار مسلمانی می کرد، کشت و پس از بازگشت، پیامبر رضی الله عنه او را مؤاخذه کرد. سپس آیه «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» نازل شد.^۲ آیه حرمت غیبت (۱۲ حجرات/۴۹). گویند این آیه هنگامی فرود آمد که دو تن از صحابه، درباره اسامه غیبت نمودند و او را بخیل خواندند.^۲

◀ **اعزام سپاه اسامه:** بی تردید مهم ترین رویداد زندگی اسامه، فرماندهی او به انتخاب پیامبر بر سپاهی بود که ایشان در واپسین سال زندگی خود به سال ۱۱ق. آن را برای رویارویی با رومیان بسیج کرد، در حالی که بزرگان مهاجران و انصار و نیز دیگر مسلمانان را به حضور در این سپاه فرمان داد.^۳ وی در آن هنگام جوانی ۱۷ یا ۱۸ ساله^۴ بود.

اسامه در جُرف، اردوگاه مدینه، اردو زد و مسلمانان نیز آن جا گرد آمدند^۵ و آماده حرکت شدند. پیامبر رضی الله عنه در این هنگام در

۷. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۷؛ الطبقات، ج ۴، ص ۵۱؛ السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۵۰.

۸. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۹.

۹. الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۴.

۱۰. الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵۲.

۱۱. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۷؛ الطبقات، ج ۴، ص ۵۱؛ السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۵۰.

۱۲. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۸.

۱۳. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۵۰.

۱۴. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۶۳۲.

۱. جامع البیان، ج ۵، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲. تفسیر سمرقندی، ج ۳، ص ۳۲۹؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۲۵.

۳. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۴۱-۶۴۲.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۵. التنبیه و الاشراف، ص ۲۴۱.

۶. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۷-۱۱۲۰؛ الطبقات، ج ۴، ص ۵۰.

آگاهی داشتند. در برخی از منابع آمده که ابوبکر سرانجام توانست موافقت آن حضرت رضی الله عنه را برای ماندن نزد همسرش در سُح، از محله‌های پیرامون مدینه و در فاصله يك ميلي خانه پیامبر رضی الله عنه، جلب نماید.^۲ البته برخی از گزارش‌ها بیانگر بازخواست سخت پیامبر رضی الله عنه از این دو تن و دیگر صحابه است.^۳ در این سستی باید به نقش اسامه نیز توجه کرد؛ زیرا او نیز با دریافت گزارش‌های مادرش أم‌ایمن^۴ یا همسرش^۵ از درون خانه پیامبر رضی الله عنه و خامت حال آن حضرت رضی الله عنه را مانعی برای حرکت خود می‌دید. این سپاه در بیرون مدینه ماند تا پیامبر رضی الله عنه رحلت کرد و اسامه همراه برخی از اصحاب به مدینه بازگشت و در تجهیز و کفن و دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت کرد.^۶

ماجرای سپاه اسامه، افزون بر اثرگذاری بر مهم‌ترین رخدادهای تاریخی و سیاسی آغاز اسلام از جمله سقیفه، مجادله‌های کلامی گوناگون را از سده‌های نخستین در میان فرق اسلامی پدید آورده است^۷ که بخشی از آن‌ها

به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله مربوط می‌شود. برخی دانشمندان امامی معاصر با بهره‌گیری از نشانه‌های گوناگون تاریخی، در پی اثبات این نکته هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله با اعزام این سپاه می‌کوشید تا مسیر امام علی رضی الله عنه را برای رسیدن به خلافت هموارتر کند؛ زیرا از بررسی جوانب گوناگون این اعزام برمی‌آید که پیامبر صلی الله علیه و آله از مخالفت‌های گروه‌های گوناگون با جانشینی امام علی رضی الله عنه آگاهی داشت که به ویژه پس از رویداد غدیر شدت گرفته بود.

برخی از نکات شایان توجه این ماجرا که دانشمندان بدان‌ها اشاره کرده‌اند، عبارتند از: جوان بودن فرمانده سپاه، آن هم در وضع بحرانی در برابر قوی‌ترین دشمن نظامی مسلمانان یعنی رومیان؛ فرمان به بزرگان مهاجر و انصار برای پیروی از این فرمانده جوان؛ کوشش پیامبر برای خالی کردن مدینه از مهم‌ترین مخالفان جانشینی خود که برخی خود را برای جانشینی وی شایسته می‌شمردند و استثنای امام علی رضی الله عنه و یاران نزدیکش از حضور در سپاه اسامه.^۸

گفته‌اند به علت امیری اسامه و برکنار نشدنش تا هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر مردم مدینه، به ویژه ابوبکر و عمر، از او با لقب «امیر» یاد می‌کردند.^۹

۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۲۰.

۳. الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۴. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۲۰؛ الطبقات، ج ۲، ص ۱۴۶.

۵. الطبقات، ج ۴، ص ۵۰.

۶. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۶۲؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۲.

۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۸۵.

۸. نک: السقیفه، ص ۷۶.

۹. المقنع فی الامامة، ص ۱۴۲، ۱۴۳.

بازگشت^۷ و هنگام بیرون رفتن ابوبکر برای پیکار با مرتدان در نبرد ذی القصة به سال ۱۱ق. جانشین او در مدینه شد.^۸ بر پایه گزارشی، او در کنار خالد بن ولید، در نبرد با مسیلمه کذاب به سال ۱۱ق. فرماندهی جناح چپ سپاه را بر عهده داشت.^۹

در دوران حکومت عمر (حک: ۱۳-۲۳ق.)، اسامه محبوب دستگاه حکومت بود؛ به گونه‌ای که هنگام تأسیس دیوان به سال ۲۰ق. و تعیین سهم عطای افراد، عمر سهم او را همانند اصحاب بدر و حتی بیشتر از عبدالله، فرزند خود، تعیین کرد و دلیل آن را دلبستگی پیامبر ﷺ به او و پدرش زید یاد کرد.^{۱۰}

اسامه در دوره حکومت عثمان (۲۳-۳۵ق.) نیز از توجه حکومت بهره می‌برد. عثمان به او همانند برخی دیگر از صحابه قطعه‌ای زمین بخشید^{۱۱} و هنگام بالا گرفتن کار معترضان (۳۵ق.) از او خواست تا به بصره رود و وضع آن سامان را بررسی کند.^{۱۲} در همین دوره، هنگامی که احتمال کشته شدن عثمان تقویت شد، اسامه از امام علی رضی الله عنه خواست تا مدینه را ترک کند، مبادا به شرکت در قتل

◀ اسامه پس از پیامبر ﷺ: برخی منابع

شیعی از مخالفت اولی اسامه با جریان سقیفه و پاسخ درشت او به نامه ابوبکر حکایت دارند؛^۱ اما بیشتر منابع از همراهی او با خلفای سه‌گانه گزارش می‌دهند. بر پایه گزارش‌های تاریخی، وی پس از تثبیت خلافت ابوبکر (حک: ۱۱-۱۳ق.)، به فرمان و مشایعت او و نیز موافقت اسامه با درخواست ابوبکر برای معاف ساختن عمر از شرکت در سپاه، به سوی بلقاء از توابع دمشق که مرکز آن عمان/امان بوده است،^۲ در ناحیه شام لشکر کشید و به آبادی اُنسی از روستاهای موته^۳ هجوم برد و پیروزی‌هایی به دست آورد و توانست قاتل پدر خود را بکشد. سپاه او پس از ۴۰ تا ۶۰ روز به مدینه بازگشت و مردم مدینه با خوشحالی از آن‌ها استقبال کردند.^۴

پس از این نبرد، اسامه مدتی کوتاه در برخی از مناطق همچون میزه، روستایی بزرگ در نیم فرسخی دمشق^۵ و وادی القری، از وادی‌های گسترده میان شام و مدینه و از توابع مدینه^۶ سکنا گزید. اما پس از اندکی به مدینه

۱. البقین فی امرة امیر المؤمنین، ص ۳۱۰.

۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۸۹.

۳. معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۳.

۴. الطبقات، ج ۲، ص ۱۴۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۷؛ انساب

الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۵.

۵. معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۲۲.

۶. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۳۸؛ ج ۵، ص ۳۴۵.

۷. الطبقات، ج ۴، ص ۵۴؛ الاصابه، ج ۱، ص ۲۰۳.

۸. تاریخ خلیفه، ص ۸۱؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۴۱، ۲۴۷.

۹. الفتوح، ج ۱، ص ۳۲.

۱۰. الطبقات، ج ۴، ص ۵۲؛ معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۲۲۴.

۱۱. فتوح البلدان، ج ۲، ص ۳۳۵.

۱۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۷۹.

عثمان متهم شود.^۱

◀ اسامه در دوره امام علی (ع):

پرچالش‌ترین دوران عمر سیاسی اسامه در دوران حکومت امام علی (ع) (۳۵-۴۰ق.) است. وی در آغاز این دوره، بر خلاف انتظار، همراه شماری از بزرگان صحابه مانند سعد بن ابی وقاص (م. ۵۵ق.)، محمد بن مسلمه (م. ۴۳ق.)، ابوموسی اشعری (م. ۴۴ق.)، عبدالله بن عمر (م. ۷۳ق.) و حسان بن ثابت (م. ۵۰ق.) از بیعت با امام علی (ع) خودداری ورزید^۲ و از سوی آن حضرت (ع) بازخواست شد.^۳ ولی برخی از تاریخ‌نگاران بر این باورند که این گروه با امام (ع) بیعت کردند؛ اما خود را از نبرد بر ضد او یا همراه وی کنار کشیدند و از این رو، «معتزله» خوانده شدند. بدین ترتیب، آن‌ها را از پیشینیان معتزله دوران بعد به شمار آورده و شعار آنان را «لا یحِلُّ قتال علی (ع) و لا القتال معه» دانسته‌اند.^۴

به فرض صحت این گفتار، می‌توان گفت اینان نقطه عطفی در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام پدید آوردند که بعدها کانون ستیزهای کلامی میان فرقه‌های اسلامی گشت.^۵ شیعیان^۶

و برخی از معتزله دوران بعد^۷ آنان را به علت همراهی نکردن با امام مشروع نکوهش نمودند؛ اما گروه‌هایی از اهل حدیث، آن‌ها را به سبب دوری از فتنه ستایش کردند.^۸ در برخی روایت‌های شیعی منسوب به امام باقر (ع) این گروه «اهل الوقوف» نامیده شده‌اند.^۹ اما در برخی از نوشته‌های معاصر از آن‌ها با عنوان «قاعدین» یاد شده و علل و پیامدهای کار آن‌ها به گونه‌ای شخصیت‌شناسانه بررسی گشته است.^{۱۰}

در نبرد جمل (۳۶ق.) هنگامی که امام علی (ع) از اسامه یاری خواست، او به بهانه آن که پس از سریه زیاد بن عبدالله و بازخواست رسول خدا (ص) سوگند یاد کرده که با گوینده «لا إله إلا الله» نجنبند، از پذیرش دعوت امام سر باز زد و حتی او را نیز از نبرد پرهیز داد.^{۱۱} اما هنگامی که ناکثین پس از ورود به بصره مدعی شدند طلحه و زبیر به اکراه با امام علی (ع) بیعت کرده‌اند و بصریان با توافق عثمان بن حنیف، کارگزار امام (ع) در بصره، کعب بن سور را به نمایندگی به مدینه فرستادند تا درباره این ادعا تحقیق کنند، اسامه تنها صحابی‌ای بود که این ادعا را تأیید کرد و

۱. الفتوح، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۳۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۹.

۳. الارشاد، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۴. فرق الشیعه، ص ۵.

۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۸۶-۸۷.

۶. الجمل، ص ۵۱، ۹۴، ۹۷.

۷. المعیار و الموازنه، ص ۲۱-۲۲، ۳۴-۳۵.

۸. الاستیعاب، ج ۱، ص ۷۷.

۹. رجال کشی، ج ۱، ص ۱۹۵.

۱۰. نامه تاریخ پژوهان، ش ۱۲، ص ۱۸-۵۳، «قاعدین».

۱۱. الاخبار الطوال، ص ۱۴۳؛ الجمل، ص ۶۵.

باورمندان به حدیث نص بر امامت امامان دوازده گانه از سوی پیامبر ﷺ دانسته‌اند که هنگام مناظره عبدالله بن جعفر با معاویه، همراه بزرگانی همچون امام حسن ﷺ، امام حسین ﷺ، عبدالله بن عباس و فضل بن عباس، ادعای عبدالله بن جعفر را در این زمینه تأیید کرد.^۵ همچنین اختلاف او را با عمرو بن عثمان بر سر یکی از باغ‌های مدینه گزارش می‌کنند که چون این دعوا نزد معاویه، هنگام حضورش در مدینه، برده شد، بزرگانی همچون امام حسن ﷺ و عبدالله بن جعفر در برابر امویان صف‌آرایی کردند و معاویه ناچار شد تأیید نماید که آن باغ را پیامبر ﷺ به اسامه بخشیده است.^۶

در منابع حدیثی اهل سنت، اسامه یکی از روایان حدیث‌های نبوی شمرده شده است. در برخی از منابع، حدیث‌های وی با عنوان مسند اسامه گردآوری شده^۷ و بعضی شمار حدیث‌های او را ۱۱۸ دانسته‌اند.^۸ او بی‌واسطه و نیز از طریق پدرش زید، از رسول خدا ﷺ روایت کرده است. از اسامه نیز ابوعثمان نهدی، عروة بن زبیر و برخی دیگر از تابعین حدیث روایت کرده‌اند.^۹ همچنین ۲۶ تن از

چنان با واکنش تند مردم مدینه، از جمله سهل بن حنیف کارگزار امام ﷺ در مدینه، روبه‌رو شد که اگر پادرمیانی صُهَّیب، ابویوب انصاری و گروهی از مردم مدینه نبود، کشته می‌شد.^۱

با وجود همه این رویکردها، برخی منابع شیعی با او برخوردی مهربانانه دارند. به نقل از اسامه، امام علی ﷺ را گرامی‌ترین مردم نزد او می‌دانند^۲ و در روایتی به گزارش از امام باقر ﷺ، میان او و دیگر افراد اهل وقوف، مانند ابن عمر و ابن مسلمه، جدایی افکنده، وی را از توبه‌گران دانسته و از شیعیان می‌خواهند تا درباره او جز به نیکویی سخن نگویند.^۳ همچنین در روایتی منسوب به امام صادق ﷺ آمده که امام علی ﷺ در نامه‌ای به فرماندار خود در مدینه، سهل بن حنیف، از او می‌خواهد تا سهم اسامه را از بیت المال قطع نکند و علت آن را پذیرش عذر و سوگند وی از سوی امام ﷺ یاد می‌کند.^۴ نیز از اسامه در دوران پس از امام علی ﷺ تا هنگام مرگ وی، چهره یک شیعی معتقد را ترسیم می‌کنند و رویکردهای او را در کنار بنی‌هاشم و ضدّ خاندان اموی، به ویژه معاویه بیان می‌نمایند. در روایتی او را از

۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴.

۶. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۷. مستداحمد، ج ۵، ص ۱۹۹؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۶۰.

۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۵۰۶-۵۰۷.

۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ج ۲، ص ۴۹۷، ۵۰۷؛ تهذیب

الکمال، ج ۲، ص ۳۳۸.

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۶۷.

۲. الجمل، ص ۶۵.

۳. رجال کشی، ج ۱، ص ۱۹۵.

۴. رجال کشی، ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۹.

راویان، شاگردان روایی او معرفی شده‌اند.^۱ درباره وی *مسند أسامة بن زيد* به قلم عبدالله بن محمد بغوی (م. ۳۱۷ق.) نگارش یافته که بخشی از آن بر جای مانده و چاپ شده است. یکی از محققان معاصر نیز روایت‌های او را در اثری به نام *مسند أسامة بن زيد* گرد آورده است.^۲

◀ منابع

الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۲۰ق.)، به کوشش سید محمد باقر، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛ **الاخبار الطوال:** ابن داود الدینوری (م. ۲۸۲ق.)، به کوشش عبدالمنعم، قم، الرضی، ۱۴۱۲ق؛ **الارشاد:** المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش آل البيت عليهم السلام، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ **الاستيعاب:** ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **اسد الغابه:** ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **الاصابه:** ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **انساب الاشراف:** البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش محمودی، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۴ق؛ **الانساب:** عبدالکریم السمعانی (م. ۵۶۲ق.)، به کوشش عبدالرحمن، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق؛ **بحار الانوار:** المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ **تاریخ خلیفه:** خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار

الفکر، ۱۴۱۴ق؛ **تاریخ صحابة الذین روی عنهم الاخبار:** ابن حبان البسی (م. ۳۵۴ق.)، به کوشش الضقّاوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق؛ **تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک):** الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **تاریخ یعقوبی:** احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **تفسیر سمرقندی (بحر العلوم):** السمرقندی (م. ۳۷۵ق.)، به کوشش محمود مطرجی، بیروت، دار الفکر؛ **التنبیه و الاشراف:** المسعودی (م. ۳۴۵ق.)، بیروت، دار صعب؛ **تهذیب الکمال:** المزی (م. ۷۴۲ق.)، به کوشش بشار عواد، بیروت، الرساله، ۱۴۱۵ق؛ **جامع البیان:** الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ **الجمال و النصره لسید العتره:** المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش میرشریفی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ **جمهرة انساب العرب:** ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علماء بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **دائرة المعارف بزرگ اسلامی:** زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ **دائرة المعارف قرآن کریم:** مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش؛ **دعائم الاسلام:** النعمان المغربی (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ق؛ **رجال کشی (اختیار معرفة الرجال):** الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش میرداماد و رجایی، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۴ق؛ **السقیفه:** شیخ محمد رضا مظفر، قم، مکتبه الزهراء عليها السلام؛ **سیر اعلام النبلاء:** الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ **السیرة النبویه:** ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المکتبه العلمیه؛ **شرح نهج البلاغه:** ابن ابی‌الحدید (م. ۵۶۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه،

۱. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲. نک: مسند أسامة بن زيد.

بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **المعجم الكبير**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ **معجم ما استعجم**: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش جمال طلبه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **معرفة الصحابه**: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، به کوشش عادل بن یوسف، دار الوطن؛ **المعيار و الموازنه**: الاسکافی (م. ۲۲۰ق.)، به کوشش محمودی، ۱۴۰۲ق؛ **المغازی النبویه**: ابن شهاب الزهري (م. ۱۲۴ق.)، به کوشش زکار، دمشق، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ **المغازی**: الواقدي (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ **المقنع فی الامامه**: عبدالله اسدآبادی، به کوشش شاکر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق؛ **الملل و النحل**: الشهرستانی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش سید کیلانی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ **نامه تاریخ پژوهان (فصلنامه)**: قم، انجمن تاریخ پژوهان؛ **اليقين فی امرة امير المؤمنين** (ع.ا.ا.): ابن طواس (م. ۶۶۴ق.)، نجف، ۱۳۶۹ق.

قاسم خان جانی



الاستبصار فی عجائب الامصار: از

منابع جغرافی نگارانه در تاریخ مکه،
مدینه، مغرب و مصر، اثر نویسنده‌ای
مراکشی در قرن ششم ق.

کتاب حاوی گزارش‌هایی کوتاه درباره
جغرافیا، تاریخ، وضع اقتصادی، زندگانی
اجتماعی و سیاسی شهرها، معرفی آثار تاریخی

۱۳۷۸ق؛ **شواهد التنزیل**: الحاکم الحسکانی (م. ۵۰۶ق.)، به کوشش محمودی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ **صحیح البخاری**: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **الطبقات**: خلیفة بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ **فتوح البلدان**: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش محمد رضوان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق؛ **الفتوح**: ابن اعثم الکوفی (م. ۳۱۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ **فرق الشیعه**: النوبختی (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد صادق، نجف، المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۵ق؛ **الکافی**: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۱ق؛ **الکامل فی التاریخ**: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق؛ **لب الباب فی تحریر الانساب**: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ **المحبر**: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتر، بیروت، دار الأفق الجدیده؛ **المستدرک علی الصحیحین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **مسند اسامة بن زید**: عبدالله البغوی (م. ۳۱۷ق.)، به کوشش حسین امین، ریاض، دار الضیاء، ۱۴۰۹ق؛ **مشاهیر علماء الامصار**: ابن حبان (م. ۳۴۵ق.)، به کوشش مرزوق علی ابراهیم، دار الوفاء المنصور، ۱۴۱۱ق؛ **المعارف**: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ **معجم البلدان**: یاقوت الحموی (م. ۲۶۶ق.)،